



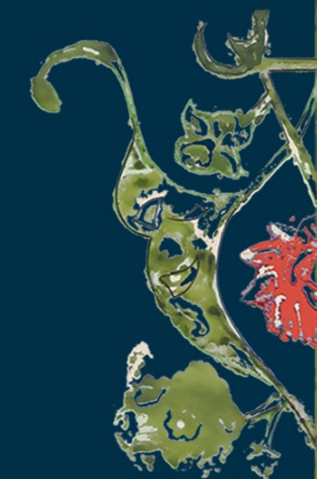
پنجمین جشنواره سراسری دانشجویی تجسمی قرآن و هنر (شهود قدسی)

پوستر . تصویرسازی . لوگوتایپ (نشانه های نوشتاری)

موضوع پیشنهادی دوم

طراحی لوگوتایپ

برای اسامی سوره ها و سوگندهای قرآنی



موضوع پیشنهادی دوم

طراحی لوگو تایپ برای اسامی سوره ها و سوگندهای قرآنی (و اسماالحسنی)



ردیف	عنوان سوره	معنی سوره	سوگندها	غرض سوره	محتوای کلی سوره
۱.	نَبَأ	خبر		خبر دادن از روز قیامت و آنچه در آن روز برای اهل تقوا و اهل طغیان آماده شده است.	محتوای کلی این سوره، موضوعات مبدا و معاد همراه با بشارت و اندازهای متعدد است.
۲.	نازعات	جدا کنندگان	آیات ۱ تا ۵ : سوگند به فرشتگان	طرح مساله بعث و حساب.	محتوای این سوره بر محور معاد دور می‌زند و در شش بخش خلاصه می‌شود: ۱- سوگندهای موکدی که با معاد ارتباط دارد و بر تحقق این روز بزرگ تکیه و تاکید می‌کند. ۲- قسمتی از مناظر هول‌انگیز و وحشتناک آن روز گفته شده است. ۳- اشاره کوتاه و گذرایی به داستان موسی(ع) و فرعون طغیانگرشده که هم مایه تسلای خاطر پیامبر(ص) و مومنان، هم هشدار به مشرکان طغیانگر و هم اشاره‌ای به این است که انکار معاد، انسان را به چه گناهیانی آلوده می‌کند. ۴- نمونه‌هایی از مظاهر قدرت خداوند در آسمان و زمین برشمرده شده که خود دلیلی برای امکان معاد و حیات بعد از مرگ است. ۵- شرح قسمتی دیگر از حوادث وحشتناک آن روز بزرگ و سرنوشت طغیانگران و پاداش نیکوکاران. ۶- سرانجام بر این حقیقت تاکید شده که هیچ کس از تاریخ وقوع قیامت با خبر نیست؛ ولی همین اندازه مسلم است که نزدیک است.
			۱. سوگند به فرشتگانی که در گرفتن جان (کافران) به سختی کوشند.		
			۲. سوگند به فرشتگانی که (جان) مومنان به نرمی گیرند.		
			۳. سوگند به فرشتگانی که شناکانن هیوط کنند.		
			۴. سوگند به فرشتگان پیشتاز.		
۵. سوگند به فرشتگانی که کار سازند					
۳.	عَبَسَ	روی ترش کرد		توبیخ و عتاب کسانی که ثروتمندان را بر ضعفا و مساکین مؤمنین مقدم می‌دارند و اهل دنیا را احترام می‌کنند و اهل آخرت را خوار می‌شمارند، و اشاره به خلقت انسان و حقارت او در برابر ساحت عظمت الهی و انذار و تهدید انسان از قیامت.	محتوای این سوره در پنج موضوع خلاصه می‌شود: ۱- عتاب شدید خداوند نسبت به کسی که در برابر مرد نابینای حقیقت جو برخورد مناسبی نداشت ۲- اهمیت و جایگاه قرآن ۳- ناسپاسی انسان در برابر نعمت‌های خداوند ۴- بیان گوشه‌ای از نعمت‌های خدا ۵- معاد و سرانجام مومنان و کافران.
۴.	تَكْوِيْر	درهم پیچیده شدن	آیه ۱۵. پس سوگند می‌خورم به اختران باز گردنده	تذکر و موعظه به وسیله روز قیامت و توصیف شرایط وقوع آن و آن احوالی که در آن واقع می‌شود و اثبات صداقت حضرت رسول(ص) و حقیقت رسالت و منز داشتن پیامبر از آن چه به ایشان نسبت داده شده.	مطالب این سوره بر دو محور دورمی‌زند: ۱- نشانه‌هایی از قیامت در پایان این جهان و آغاز رستاخیز ۲- عظمت قرآن و آورنده آن و تاثیرش در نفوس انسانی.
			آیه ۱۷. و سوگند به شب چون برود		
			آیه ۱۸. و سوگند به صبح چون بدمد		
۵.	اِنْفِطَار	روشن شدن، باز شدن		توصیف روز قیامت و ذکر علائم آن.	این سوره بر محور موضوعات مربوط به قیامت دور می‌زند.
۶.	مُطَفِّفِيْنَ	کم فروشان		انذار کم فروشان به وسیله توصیف روز بعث و جزا و بیان اوصاف روز قیامت و آنچه که برای دو طایفه مومن و کافر آماده شده است.	این سوره، کم فروشان را به این تهدید می‌کند که در قیامت برای جزای اعمالشان برانگیخته می‌شوند و این مطلب را با بیان آنچه در روز قیامت و بهشت و جهنم بر بدکاران و نیکوکاران خواهد گذاشت، ادامه داده و سوره را به پایان می‌رساند.
۷.	اِنشِقَاق	تقسیم شدن، شقه شدن	آیه ۱۶. پس سوگند می‌خورم به شفق	بحث درباره قیامت و غلبه دادن انذار مردم بر بشارت ایشان.	این سوره به رستاخیز و برپایی قیامت اشاره دارد و یادآوری می‌کند که انسان سیری به سوی پروردگارش دارد تا این که او را ملاقات می‌کند و در آن موقف، نامه اعمالش محاسبه می‌گردد.
			آیه ۱۷. و به شب و آنچه گرد آورد		
			آیه ۱۸. و سوگند به ماه چون کامل گردد		
۸.	بُرُوج	دژها، برج‌ها، قصرها	آیه ۱. سوگند به آسمانی که دارای برج هاست	بیم دادن کفار و بشارت به مومنان و انذار و تهدید شدید درباره کسانی که مومنان را به جهت ایمانشان شکنجه می‌کردند و تحریک مومنان به صبر در راه رضای خدای تعالی.	هدف اصلی این سوره، تقویت روحیه مومنان در برابر شکنجه‌های دشمنان و تشویق آنها به پایداری و استقامت است.
			آیه ۲. و سوگند به روز موعود		
			آیه ۳. و سوگند به گواه و مورد گواهی		

موضوع پیشنهادی دوم

طراحی لوگو تایپ برای اسامی سوره ها و سوگندهای قرآنی (و اسماالحسنی)



ردیف	عنوان سوره	معنی سوره	سوگندها	غرض سوره	محتوای کلی سوره
۹.	طَارِق	کسی که در شب	آیه ۱. سوگند به آسمان و شباینده	إنذار به وسیله معاد و حساب و جزا.	مطالب این سوره بر دو محور است: ۱- معاد و رستاخیز ۲- ارزش و اهمیت قرآن.
			آیه ۱۱. و سوگند به آسمان باراندار		
			آیه ۱۲. و سوگند به زمین برشکافته به گیاه		
۱۰.	أَعْلَى	برتر	سوگند به آسمان و زمین	تسبیح و منزه داشتن خالق مدبر عالم و موعظه و إنذار خلق.	این سوره از دو بخش تشکیل یافته است: ۱- بخشی که در آن روی سخن با شخص پیامبر(ص) است و دستورهایی در زمینه تسبیح پروردگار و ایفای رسالت به او می‌دهد و اوصاف هفتگانه‌ای از خداوند بزرگ را برمی‌شمرد ۲- در این بخش، از مومنان خاشع و کافران شقی سخن به میان آمده و عوامل سعادت و شقاوت این دو گروه به طور فشرده بیان شده است.
۱۱.	عَاشِيَه	نام قیامت (هنگامه فراگیر)	سوگند به آسمان و زمین	توصیف روز قیامت و تقسیم شدن مردم به دو گروه سعید و شقی همراه با بیان وعده و وعید.	محتوای این سوره بر سه محور دور می‌زند: ۱- معاد و سرانجام مجرمان و مؤمنان. ۲- توحید و توجه به نشانه‌های خدا در خلقت. ۳- نبوت و بیان گوشه‌ای از وظایف پیامبر(ص).
۱۲.	فَجْر	سپیده دم	آیه ۱. سوگند به سپیده دم	مدّمت وابستگی به دنیا و تبعات آن که طغیان و کفر می‌باشد.	محتوای این سوره از چهار بخش تشکیل شده است: ۱- سوگندهای متعددی برای تهدید جباران. ۲- اشاره‌ای به برخی از اقوام طغیان‌گر پیشین و سرانجام دردناک آن‌ها. ۳- اشاره‌ای به موضوع امتحان با نعمت‌ها و مشکلات. ۴- معاد و سرنوشت مؤمنان و کافران.
			آیه ۲. سوگند به شب های دهگانه		
			آیه ۳. سوگند به زوج و فرد		
			آیه ۴. سوگند به شب چون سرآید		
۱۳.	بَلَد	شهر، سرزمین	آیه ۱. سوگند به این شهر می‌خورم	بیان این که خلقت انسان بر اساس رنج و مشقت بنا شده و از ابتدای تولد تا هنگام مرگ همیشه زندگی‌اش توأم با رنج و مشقت و گرفتاری زندگی مادی است و تنها در خانه آخرت که مقصد حقیقی حیات اوست می‌تواند به آرامش خالص و غیر آمیخته با تعب برسد.	این سوره بیان می‌کند که انسان در رنج و سختی آفریده شده و در تمام زندگی باید سختی‌ها را تحمل کند؛ پس چه بهتر که زیر بار سختی‌های دنیا برود تا به راحتی آخرت برسد؛ و الا آخرتش نیز مانند دنیایش سراسر سختی خواهد بود.
			آیه ۳. سوگند به پدر و فرزندی که پدیدآورده است.		
۱۴.	شمس	خورشید	آیه ۱. سوگند به خورشید و پرتوافشانی اش	ذکر بعضی از آیات الهی و تذکر دادن انسان به این معنا که رستگاری او در تزکیه نفس و تطهیر آن از زشتی و گناهان است، و بیان بخشی از ماجرای قوم ثمود و عقوبت آلوده کردن نفس.	این سوره بر محور تهذیب نفس و تطهیر جان از ناپاکی‌ها دور می‌زند.
			آیه ۲. سوگند به ماه چون از آن پیروی کند		
			آیه ۳. سوگند به روز چون روشنش دارد		
			آیه ۴. سوگند به شب چون فرو پوشد		
			آیه ۵. سوگند به آسمان و آنکه آنرا برافراشت		
			آیه ۶. سوگند به زمین و آنکه آنرا بگسترده		
			آیه ۷. سوگند به نفس انسان و آنکه آنرا سامان داد		
۱۵.	لَيْل	شب	آیه ۱. سوگند به شب چون فرو پوشاند	بیم دادن و إنذار از بخل و دروغ و اظهار بی‌نیازی به وسیله بیان عقوبت شقاوت‌بار آنان و بشارت‌دادن به کسانی که انفاق کرده و تقوا دارند و نعمات الهی و وعده حسنیای او را تصدیق می‌کنند.	آیات این سوره درباره قیامت و پاداش و کیفر الهی و عوامل و اسباب آن است.
			آیه ۲. سوگند به روز چون روشن شود		
			آیه ۳. سوگند به آنکه نرینه و مادینه آفرید		
۱۶.	ضُحَى	روز	آیه ۱. سوگند به روز روشن	آرامش دادن و تسلی خاطر رسول خدا (ص).	نقل شده است که پانزده روز بر پیامبر (ص) گذشت اما بر آن حضرت وحی نازل نشد. مشرکان گفتند که پروردگار محمد او را رها کرده و دشمن داشته است. اگر راست می‌گوید که مأموریت او از سوی خداست، باید به طور مرتب وحی بر او نازل شود. در اینجا این سوره نازل شد و به سخنان آن‌ها پاسخ گفت. این سوره به پیامبر بشارت می‌دهد که خدا هرگز او را رها نکرده و به او توید می‌دهد که آن قدر به او عطا می‌کند که خشنود شود. همچنین گذشته زندگانی پیامبر را در نظر او مجسم می‌کند که چگونه خداوند او را همیشه مشمول انواع رحمت خود قرار داده است. به همین جهت به او دستور می‌دهد به شکرانه این نعمت‌ها، با یتیمان و مستمندان مهربانی کند و نعمت خدا را باز گوید.
			آیه ۲. سوگند به شب چون بیامد		

موضوع پیشنهادی دوم

طراحی لوگوتایپ برای اسامی سوره ها و سوگندهای قرآنی (و اسماالحسنی)



ردیف	عنوان سوره	معنی سوره	سوگندها	غرض سوره	محتوای کلی سوره
۱۷	شَرَح (انشراح)	شَرَح : وسعت داد		دعوت برای توجه به سوی خدا و بذل و همت در راه خدا و رغبت به سوی او و بیان اینکه تنها طریقه آسان و مطابق فطرت همین است.	این سوره، برخی از نعمات معنوی خداوند بر پیامبرش را بازگو می‌کند.
۱۸	تَبین	انجیر	آیه ۱. سوگند به (سرزمین قدسی) انجیر و زیتون آیه ۲. سوگند به طور سینا آیه ۳. سوگند به این شهر (و حرم) امن	تذکر دادن به مبدء و معاد.	این سوره بر محور آفرینش زیبای انسان و مراحل تکامل یا انحطاط او دور می‌زند و بعد از شمردن عوامل پیروزی و نجات انسان، سرانجام با تأکید بر معاد و حاکمیت مطلقه خداوند پایان می‌گیرد.
۱۹	عَلَق	خون بسته		بیان نزول وحی و امر به رسول خدا (ص) در تلقی آن.	این سوره در آغاز دستور قرائت به پیامبر (ص) می‌دهد. سپس از آفرینش این انسان با عظمت از یک قطعه خون بی‌ارزش سخن می‌گوید. در مرحله بعد، از تکامل انسان در پرتو لطف و کرم پروردگار و آشنایی او با علم و دانش و قلم بحث می‌کند. آن‌گاه از انسان‌های ناسپاسی که علی‌رغم موهبت و اکرام الهی راه طغیان را پیش می‌گیرند، سخن به میان می‌آورد و سرانجام به مجازات دردناک کسانی اشاره می‌کند که مانع هدایت مردم و اعمال نیک‌اند و با دستور سجده و تقرب پروردگار پایان می‌یابد. بخش ابتدای این سوره نخستین قسمت از قرآن است که بر پیامبر (ص) نازل شده است.
۲۰	قَدَر	بزرگ‌شمردن، اندازه		تذکر دادن به این نکته که قرآن در شب قدر نازل شده و توصیف و بزرگداشت شب قدر و برتری آن نسبت به سایر اوقات.	محتوای این سوره، چنان که از نامش نیز پیدا است، بیان نزول قرآن مجید در شب قدر است و سپس اهمیت شب قدر و برکات و آثار آن را بیان می‌کند.
۲۱	بَیِّنَه	دلیل و حجت آشکار		اثبات رسالت پیامبر(ص) برای عوام از اهل کتاب و مشرکین و بیان عمومیت رسالت آن حضرت برای همه ابنا بشر و توضیح اینکه دعوت آن حضرت متضمن صلاح جامعه انسانی است و عقاید اعمال و آنها را اصلاح می‌سازد.	این سوره به رسالت جهانی پیامبر (ص) و آمیخته بودن آن با دلایل روشن اشاره کرده و این حقیقت را بیان می‌دارد که اصول دعوت پیامبران یکی است و موضع‌گیری‌های گوناگون اهل کتاب و مشرکان در برابر اسلام را باز گفته است.
۲۲	زُلزَلَه (زلزال)	لرزیدن		بیان قیامت و احوال و حوادثی که در آن رخ می‌دهد.	این سوره از سه موضوع سخن می‌گوید : نشانه‌های وقوع قیامت، سخن از شهادت زمین به تمام اعمال انسان، تقسیم مردم به دو گروه نیکوکار و بدکار و رسیدن هر کس به اعمالش.
۲۳	عَادِيَات	اسبان تیزتک	آیه ۱. سوگند به به اسبان تیزتک (جهادگر) که نفس نفس می‌زنند. آیه ۲. سوگند به اخگرانگیزان (از برخورد سمها) آیه ۳. سوگند به تکاوران بامدادی	بیان عاقبت کفران نعمات الهی.	این سوره با سوگندهای بیدارکننده‌ای آغاز می‌شود و بعد از آن از پاره‌ای ضعف‌های انسان همچون کفر و بخل و دنیاپرستی سخن به میان می‌آورد و سرانجام با اشاره کوتاه و گویایی به معاد و احاطه‌ی علمی خداوند به بندگان به پایان می‌رسد.
۲۴	قَارِعَه	درهم کوبنده (ازنامه‌های قیامت)		تهدید به عذاب قیامت و بشارت به ثواب آن.	این سوره با بیان تکان‌دهنده و هشدارهایی روشن، از معاد و مقدمات آن سخن می‌گوید و فرجام انسان‌های نیکوکار و بدکار را شرح می‌دهد.
۲۵	تَكَاثُر	افزون طلبی		توبیخ و عتاب مردم از بابت مسابقه گذاشتن در جمع مال و اولاد.	محتوای این سوره سرزنش و ملامت افرادی است که بر اساس مطالب موهوم بر یکدیگر تفاخر می‌کردند. سپس هشدار در مورد معاد و قیامت و آتش دوزخ و سؤال و بازپرسی از نعمت‌هاست.
۲۶	عَصْر	عصر، روزگار	آیه ۱. سوگند به روزگار	بیان تمام معارف قرآنی و مقاصد آن در کوتاه‌ترین وجه ممکن.	این سوره بیان می‌کند که تنها راه نجات انسان کدام است و تنها گروه نجات یافته چه کسانی هستند.
۲۷	هُمَزَه	بسیار طعنه زننده		تهدید شدیدی به مال‌دوستان و افرادی که با جمع‌آوری مال می‌خواهند بر دیگران تکبر کنند و مردم را به عیب و ایراد نسبت می‌دهند.	این سوره مال‌اندوزان و برتری‌جویان و مستکبرانی را که به عیب‌جویی و بدگویی مردم می‌پردازند، به شدت به عذاب الهی وعده می‌دهد.



شماره	عنوان سوره	معنی سوره	سوگندها	غرض سوره	محتوای کلی سوره
۲۸	فیل	فیل		ذکر ماجرای اصحاب فیل و عاقبت آنان.	این سوره به داستان معروف اصحاب فیل (ابرهه و لشکریانش) اشاره می‌کند.
۲۹	قُریش	نام قبیله پیامبر		امتنان بر قریش و دعوت ایشان به توحید.	در این سوره خداوند بر قبیله قریش به خاطر سفرهای زمستانه و تابستانه منت می‌گذارد و در پی آن ایشان را به یگانه پرستی و عبادت خدای صاحب کعبه دعوت می‌کند.
۳۰	مَاعُون	اسباب مورد نیاز در		تهدید کسانی که ظاهراً خود را مسلمان نشان می‌دهند اما با اعمالی چون سهو از نماز و ریا کردن در اعمال و منع از فقراء، متخلق به اخلاق منافقین هستند.	در این سوره پنج مورد از ویژگی‌های منکران قیامت (سرباز زدن از انفاق، راندن یتیمان و مسکینان، ریا، مسامحه در نماز و بازداشتن مردم از کمک به نیازمندان) مطرح شده است.
۳۱	کَوْثَر	خیر کثیر، خیر و برکت		امتنان بر رسول خدا (ص) به واسطه اعطا وجود مقدس حضرت زهرا (س) که معدن خیر و برکت است.	... در این که منظور از کوتر در اینجا چیست سخنان گوناگونی به میان آمده است. بعضی گفته‌اند نه‌ری در بهشت است، سفیدتر از شیر و صاف‌تر از بلور. بعضی آن را به نبوت تفسیر کرده و بعضی دیگر به قرآن و بعضی به کثرت اصحاب و یاران و بعضی به کثرت فرزندان و ذریه پیامبر که همه آن‌ها از نسل دخترش فاطمه زهرا (س) به وجود آمده‌اند. و بعضی نیز آن را به شفاعت تفسیر نموده‌اند. ...
۳۲	کَافِرُونَ	منکرین دین		اعلام برائت از مشرکین و مایوس کردن آنان از سازش با پیامبر(ص).	محتوای کلی این سوره، توحید و نفی شرک و نومید کردن کافران از سازش پیامبر(ص) با آن‌هاست.
۳۳	نَصْر	یاری		وعده فتح و نصرت به رسول خدا (ص).	این سوره از پیروزی عظیمی خبر داده که به دنبال آن مردم گروه گروه وارد دین خدا می‌شوند و از این رو به شکرانه این نعمت بزرگ پیامبر (ص) به تسبیح و تحمید و طلب آموزش امر می‌کند.
۳۴	مَسَد	لیف خرمای تافته		تهدید و انداز ابولهب و همسرش که پیامبر اسلام (ص) را آزار و اذیت می‌کردند.	در این سوره به دو تن از دشمنان اسلام یعنی ابولهب و همسرش به شدت حمله شده و ایشان به صراحت بی‌ایمان و دوزخی معرفی شده‌اند.
۳۵	إِخْلَاص (توحید)	پاک بودن		بیان احدیت ذات الهی و توحید صفاتی و افعالی.	این سوره از توحید پروردگار و یگانگی او سخن می‌گوید.
۳۶	فَلَق	شکافته‌شده، صبح		دستور دادن پیامبر(ص) به استعاذه و پناه‌بردن به خدا.	در این سوره به پیامبر (ص) دستور داده شده که از همه شرها به طور عام و بعضی از شرها به طور ویژه به خدا پناه برد.
۳۷	نَاس	مردم، انسان‌ها		امر نمودن پیامبر(ص) به استعاذه و پناه‌جستن از خدای تعالی.	در این سوره به پیامبر دستور داده شده که از شر وسوسه‌گر پنهان‌کار به خدا پناه برد.
		منابع: قرآن آموزشی معین، انتشارات بنی هاشم، چاپ اول، ۱۳۹۰ و ...	منبع: مصطفی شاکر، کمال، خلاصه تفسیر المیزان (علامه طباطبایی)، ترجمه‌ی فاطمه مشایخ، انتشارات اسلام، چاپ پنجم، ۱۳۸۶		منبع: مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهل و دوم، ۱۳۸۱ شمسی به نقل از: تفسیر نمونه قرآن کریم و شرح آیات منتخب، ترجمه‌ی حضرت آیت‌اله مکارم‌شیرازی، انتشارات فکرپویا، چاپ دوم، پاییز ۱۳۹۰

موضوع پیشنهادی دوم

طراحی لوگو تایپ برای اسامی سوره ها و سوگندهای قرآنی (و اسماء الحسنی)

ردیف	اسماء الحسنی	معنای توضیحی اسماء الحسنی
۱	الله	مشتق است از اله و وگه، یعنی الهیت بدون معبودیت تحقق نپذیرد.
۲	هو	از اسمای ذات بلکه به گمان بعضی اشراف از اسم (الله) است.
۳	الواحد	واحد به معنای نفی شریک و نظیر و مثل و مانند و "احد" به معنای نفی اجزا و اعضا و شبیه است.
۴	الحد	
۵	الصمد	قائم به نفس و غنی از غیر می باشد.
۶	الاول	"الاول" یعنی آن کسی که از برای وجود او ابتدائی نیست و قبل از او چیزی نیست.
۷	والاخر	"الآخر" یعنی آن کسی که از برای وجود او تنهائی نیست و همیشه باقی است.
۸	السمیع	به معنای بسیار شنونده است، یعنی به ذات خود تمام اقسام شنیدنی ها را درک می نماید.
۹	البصیر	یعنی بینا است، و به ذات خود تمام دیدنی ها از آنچه ظاهر و آنچه مخفی است ادراک می نماید.
۱۰	القدير	به معنای کسی که توانایی و قدرت بر ایجاد شیء دارد.
۱۱	القاهر	یعنی غالب بر هر چیزی است و تمام موجودات ذلیل و منقاد او می باشند.
۱۲	العلی	"العلی" یعنی عالی و فوق عالی است، زیرا که العلی دلالت بر علو و رفعت مقام دارد.
۱۳	الاعلی	"الاعلی" دلالت بر فوق علو و رفعت می کند.
۱۴	الباقي	یعنی همیشه باقی است، و منزه و مبرا از عوارض ممکنات است.
۱۵	البدیع	ابداع یعنی ایجاد نمودن شیء، ابتدائاً بدون آن که مسبوق باشد به ماده و مدت، یا مسبوق باشد به عدم زمانی.
۱۶	الباری	خالق خلائق و موجود کننده ی تمام مخلوقات، و بعضی گفته اند، "الباری" برگرفته از برأ، که به معنای خاک است. یعنی خلق نموده آنها را از خاک.
۱۷	الاکرام	یعنی ارجمند و گرامی، به معنی کریم هم آمده.
۱۸	الظاهر	اگر برگرفته از ظهور ضد خفاء باشد، یعنی ظاهر به آثار قدرت و هویدا است به شواهد حکمت، و پیدا است به دلایل و براهین.
۱۹	الباطن	یعنی باطن است به حقیقت و باطن هر چیزی است. یعنی عالم و دانای به هر موجودی می باشد.
۲۰	الحي	یعنی همیشه به ذات زنده و پاینده است، و موصوف می باشد به حیات و علم و قدرت و ادراک.
۲۱	الحکیم	برای این اسم مبارک دو معنی گفته شده، یکی آن که "الحکیم" یعنی العالم زیرا که حکمت در لغت به معنای علم است و بنابراین معنی "الحکیم" از صفات ذات می باشد. و دیگر آنکه "الحکیم" به معنای اتقان در فعل و علم است. حقتعالی حکیم است یعنی افعال او متقن و محکم و مشتمل بر مصالح بسیار و هر چیزی را به جای خود قرارداده و بنابراین معنی "الحکیم" از صفات افعال می باشد، نه از صفات ذات، یعنی افعال او محکم و از روی حسن تدبیر به عمل آمده.
۲۲	العلیم	"العلیم" مبالغه در علم و اشاره به گستره ی علم حق عزوجل، و احاطه ی علمی او به تمام ممکنات قبل از وجود آنها و بعد از وجود آنها و هنگام وجود آنها می باشد.
۲۳	الحلیم	یعنی صاحب حلم، و حق تعالی را "حلیم" گویند که هر چیزی را در وقت خود انجام می دهد، و در عقاب عاصی و در انتقام مظلوم با آن که دارای قدرت تامه است، عجله نمی کند.
۲۴	الحفیظ	اشاره به کمال حفظ الهی جل شأنه می باشد، پس خداوند نگهدارنده ی هر چیزی است که در آسمان و زمین است، و حافظ و نگهبان تمام موجودات می باشد و بلا را از آنها می گرداند.



طراحی لوگو تایپ برای اسامی سوره ها و سوگندهای قرآنی (و اسما الحسنی)

۲۵	الحق	یعنی ثابت و دائم به ذات خود و حق در مقابل باطل، چون وجود در مقابل عدم است.
۲۶	الحسیب	برای "الحسیب" سه معنی گفته شده، اول کفایت کننده، دوم محاسب یعنی حساب کننده، سوم مُحْصی و عالم، یعنی چیزی برای او مخفی و پوشیده نیست.
۲۷	الحمید	یعنی "المحمود" و حمد نقیض ذم است، و سزاوار این است که عبد در همه حال شدت، راحتی، فقر و غنا، صحت و مرض مشغول حمد و ثناء پروردگار باشد زیرا او مستحق ستایش است.
۲۸	الحنیّ	برای "الحنیّ" دو معنی گفته شده، یکی عالم و دیگر لطیف، یعنی عالم است به تمام امور ومحیط است به تمام موجودات، لطیف است به نیکوئی و لطف و مهربانی.
۲۹	الرّبّ	رَبٌّ به معنای مالک و تربیت کننده است.
۳۰	الرّحمن	یعنی صاحب رحمت واسعه، ورحمت او همه چیز رافرا گرفته، و به همین رحمت واسعه‌ی الهی است که به هر جنبه‌ای روزی می‌دهد.
۲۱	الحکیم	برای این اسم مبارک دو معنی گفته شده، یکی آن که "الحکیم" یعنی اَعْلَم زیرا که حکمت در لغت به معنای علم است و بنابراین معنی "الحکیم" از صفات ذات می‌باشد. و دیگر آنکه "الحکیم" به معنای اتقان در فعل و علم است. حقیقتاً حکیم است یعنی افعال او متقن و محکم و مشتمل بر مصالح بسیار و هر چیزی را به جای خود قرار داده و بنابراین معنی "الحکیم" از صفات افعال می‌باشد، نه از صفات ذات، یعنی افعال او محکم و از روی حسن تدبیر به عمل آمده.
۲۲	العلیم	"العلیم" مبالغه در علم و اشاره به گستره‌ی علم حق عزوجل، و احاطه‌ی علمی او به تمام ممکنات قبل از وجود آنها و بعد از وجود آنها و هنگام وجود آنها می‌باشد.
۲۳	العلیم	یعنی صاحب حلم، و حق تعالی را "حلم" گویند که هر چیزی را در وقت خود انجام می‌دهد، و در عقاب عاصی و در انتقام مظلوم با آن که دارای قدرت تامه است، عجله نمی‌کند.
۲۴	الحفیظ	اشاره به کمال حفظ الهی جل شأنه می‌باشد، پس خداوند نگهدارنده‌ی هر چیزی است که در آسمان و زمین است، و حافظ و نگهبان تمام موجودات می‌باشد و بلا را از آنها می‌گرداند.
۳۵	الرّؤف	یعنی مهربان به بندگان
۳۶	الرّائی	یعنی عالم به مبصرات و بیننده‌ی دیدنی‌ها و خدای عزوجل به ذات خود بینا و شنوا است، نه به وسیله‌ی چشم و گوش.
۳۷	السّلام	یعنی حق تعالی سالم از هر عیب و نقصی است و زوال و انتقال و فنا و موت در ساحت مقدس او راه ندارد.
۳۸	المؤمن	یعنی ایمن کننده‌ی مطیعان از عذاب و ثابت کننده‌ی ایمان در قلوب مؤمنان.
۳۹	المهیمن	یعنی خداوند شاهد است بر خلق و بر افعال و اقوال و کردار آنها.
۴۰	العزیز	به معنای صاحب قوت و غلبه و شدت است، و آن غالبی است که چیزی او را مغلوب و عاجز نمی‌کند، و عزیز به معنای پادشاه هم آمده است.
۴۱	الجبار	برای "الجبار" سه معنی گفته شده، اول قاهر، یعنی برای حق تعالی بزرگی و عظمت و جبروتست، دوم عالی، یعنی فوق مخلوقات است، سوم جبران و تلافی کننده.
۴۲	المتکبر	متکبر بر گرفته از کبریا است، و حق تعالی متکبر است یعنی منزّه و مبرا از صفات مخلوقین است
۴۳	السید	یعنی پادشاهی است که واجب‌الاطاعه باشد
۴۴	السّبوح	"السّبوح" تنزیه حق است از هر چیزی که سزاوار نیست او را توصیف نمود به آن، و سبوح و قدوس هر دو تقریباً به



موضوع پیشنهادی دوم

طراحی لوگو تایپ برای اسامی سوره ها و سوگندهای قرآنی (و اسماء الحسنی)

		یک معنی می باشند.
۴۵	الشَّهِيد	یعنی کسی که چیزی از او غائب و پنهان نیست.
۴۶	الصَّادِق	یعنی حق تعالی راستگو است و به وعده‌ی خود وفا می کند
۴۷	الصَّانِع	یعنی خالق و مبدع
۴۸	الطَّاهِر	یعنی منزّه و پاکیزه
۴۹	العدل	" عدل " در اسماء الله قراردادن هر چیزی به جای خود می باشد، و معنای دیگر یعنی حکم او به حق و درستی و به جا است، و ظلم و ستم در ساحت قدس او راه ندارد.
۵۰	العفو	یعنی محو و گذشت کننده است.
۵۱	الغفور	" الغفور " مشتق از مغفرت و معنای پوشانیدن و پنهان کردن است یعنی به لطف و رحمت خود گناهان عبد را می پوشاند و لغزش های وی را مخفی می نماید
۵۲	الغنی	" الغنی " برگرفته از غناء، به معنای توانگر و بی نیاز است.
۵۳	الغیاث	شیخ صدوق فرمود، معنای الغیاث، المغیث است و مغیث به معنای فریادرس است.
۵۴	الفاطر	" الفاطر " یعنی خالق، چون حق تعالی ممکنات را از عدم و نیستی به هستی و وجود آورد، گویی پرده‌ی ظلمت عدم را پاره نمود، و بر هر ممکنی به قدر امکان لباس وجود و هستی پوشانید.
۵۵	الفرد	یعنی منفرد است به الوهیت و ربوبیت وحدت، بلکه صفات کمال منحصر به او عزوجل می باشد
۵۶	الفتاح	یعنی حکم کننده بین عباد، معنای دیگر فتّاح کسی است که ابواب رزق و رحمت خود را به سوی بندگان می - گشاید، و به عنایت و رحمت هر مشکلی را آسان می نماید، و هر سختی را برطرف می کند
۵۷	الفالق	" الفالق " مشتق از فلق است و فلق به معنای شق است. خداوند فالق است زیرا که به شکافتن هر چیزی چیز دیگری بیرون می آورد، چنانچه زمین را می شکافتند و گیاه را بیرون می آورد.
۵۸	القدیم	یعنی متقدم بر اشیاء، خدای متعال قدیم است به نفسه، و اول و آخری برای وجود او متصوّر نیست.
۵۹	الملک	" الملک " دومعنی دارد، اول پادشاه و صاحب اختیار، دوم مالک، و " هو مالک الملک و الملکوت ". حق عزوجل مالک جمیع عوالم است، از عالم ملک یعنی اجسام و محسوسات و عالم معنی و مجردات، یعنی عالمی که فوق عالم - جسمانیات و محسوسات می باشد، که اول را عالم ناسوت و عالم ملک گویند. و دوم را عالم ملکوت، و فوق آن را عالم - جبروت، و بالاتر آن را عالم لاهوت نامند، یعنی عالم جبروت تحت لاهوت، و ملکوت تحت جبروت می باشد.
۶۰	القدّوس	" القدّوس " مبالغه در صفت قدس است و قدس به معنی پاکیزگی است.
۶۱	القوی	خدای متعال قوی است، یعنی عاجز نیست و عارض نمی شود او را عجز و ضعف و ناتوانی، و غالب و قاهر بر عباد خود می باشد.
۶۲	القرب	یعنی نزدیک است به خلق به قرب معنوی از جهت معیت قیمومیت، و هر کسی او را بخواند اجابت می نماید، و معنای دیگر قریب یعنی " عالم به مافی الضمیر " و عالم است به وساوس دلها و آنچه در ذهن خطور می نماید.
۶۳	القیوم	یعنی قائم به ذات خود است و تمام موجودات قائم به وجود او می باشند.
۶۴	القایض	" القایض " مشتق از قبض است، قبض به چند معنی استعمال شده که تماما قریب یکدیگرند، و جامع بین آنها، گرفتن و استیلاء بر شیء است، و خدای تعالی هم قابض است و هم باسط، هم جمع می کند و هم پهن می کند.
۶۵	الباسط	بسط مقابل قبض است، پهن کننده است بر بندگان خود فضل و احسان و نعمت های بی اندازه، بسا می شود که به



موضوع پیشنهادی دوم

طراحی لوگو تایپ برای اسامی سوره ها و سوگندهای قرآنی (و اسما الحسنی)

مصلحت و حکمت روزی را تنگ می کند، و وقت دیگر به فضل و کرم خداوندی خود آن را پهن می کند و وسیع می گرداند.		
" القاضی " برگرفته از قضاء است، قضاء نسبت به حق تعالی به سه وجه اطلاق شده، اول به معنای حکم و الزام دوم خیر و اعلام سوم اتمام.	القاضی	۶۶
"المجید" مشتق از مجد است و به معنای کرم و عزت و شرافت و بزرگواری است، و این امور نسبت به حق تعالی فوق آن است که در ذهن بشر بگنجد یا آن که بتواند به گُنه و حقیقت ، مجد و بزرگی او را بشناسد.	المجید	۶۷
" ولی " را چند معنی است، یکی ناصر یعنی یاری کننده، و به معنای مولی و صاحب اختیار هم آمده، و به معنای متولی امر هم استعمال شده است.	الولی	۶۸
"الْمَنَانُ" صیغه مبالغه است، و مِنْ مشترک بین دو معنی می باشد، و در هر دو معنی هم استعمال شده، یکی بخشنده و اتمام کننده و دیگر در منت و امتنان.	المنان	۶۹
یعنی مستولی است و احاطه دارد بر هر چیزی و هیچ چیز یافت نمی شود که از حیطه ی وجود و علم و قدرت او خارج باشد.	المحیط	۷۰
" المبین " به معنای ظهور و وضوح است و نسبت به حق تعالی دو معنی دارد، اول آن که وجودش ظاهر و واضح- است به طوری که از شدت ظهور مخفی گشته؛ دوم اظهار کننده است حکمت و کمال و حسن تدبیر خود را برای مخلوقات تا او را بشناسند و به این جهت لایق انعام و اکرامش گردند.	المبین	۷۱
برای این اسم مبارک چند معنی گفته اند، اول حافظ و نگهبان، دوم مقتدر و مستولی و روزی دهنده به هر موجودی بر حسب استعداد و احتیاج او، و تمام این معانی بر حق تعالی صادق آید.	المقیم	۷۲
" المصوّر " برگرفته از تصویر است، یعنی تصویر کننده صورت جنین در رحم مادر به هر شکلی که بخواهد، پس حق تعالی خالق اجسام و تشکیل دهنده اشکال و مصوّر صور موجودات می باشد.	المصوّر	۷۳
برای این اسم مبارک هم سه معنی گفته اند، اول کثیر الخیر و دائم النفع، یعنی خیر او بسیار و نفع رساندن او دائم و گرفتن نفع از او آسان است، دوم به معنای جواد یعنی بسیار بخشش کننده و نعمت دهنده، سوم به معنای عزیز یعنی ارجمند و عالی مقدار است.	الکریم	۷۴
" الکافی " برگرفته از کفایت است، یعنی خدا کفایت می کند امور کسی که توکل بر او نماید .	الکافی	۷۵
یعنی رفع کننده ی بلا و آفات از خلق، و اجابت کننده ی دعای مضطر در هنگام اضطرار	الکاشف	۷۶
یعنی " الفرد " و هر چیزی که یکی باشد. وی را و تر گویند مقابل شفع که دو است، و چون خداوند را شریکی نیست و در وجود و ربوبیت، دومی ندارد او را و تر گویند.	الوتر	۷۷
نور آن است که به ذات خود ظاهر و ظاهر کننده ی غیر باشد و چون ظهور و وجود او به ذات خود، و ظهور و وجود ممکنات به طفیل وجود او است، لذا اطلاق نور بر او صادق آید، و بعضی گفته اند نور در این جا به معنی منور است، یعنی خدا نور بخشنده است.	النور	۷۸
" الوهاب " برگرفته از هبه به معنای بخشش است، و " وهاب " مبالغه در بخشش است، یعنی خداوند کثیر الخیر و قدیم الاحسان و بسیار بخشنده است.	الوهاب	۷۹
یعنی یاری کننده، و خداوند یاری کننده، و اعانت نماینده به مؤمنین است.	الناصر	۸۰
یعنی غنی، آن چنان که به غناء و بی نیازی خود، فقر و احتیاج بندگان خود را برطرف می نماید و روزی خلق را وسیع می گرداند.	الواسع	۸۱

پنجمین دانشجو مجرب
 در زمینه تایپ
 حرفه ای و با
 کیفیت و سرعت
 بسیار بالا

۸۲	الْوَدُود	" الودود " برگرفته از وِدُّو وِدَاد است، و آن به معنای محبت است؛ و برای (ودود) سه معنی گفته اند: اول دوست داشته شده، یعنی اولیاء و عرفاء او را دوست می دارند. دوم دوست داشتن ، یعنی او اولیاء خود را دوست می دارد، و این دو معنی ملازم یکدیگرند، سوم محبوب خلق می کند بندگان صالح خود را
۸۳	الهادی	هدایت و رهنمائی به مقصود است، و بعضی مقید نموده اند به رهنمائی که موصل و رساننده به مقصود هم باشد.
۸۴	الوفی	یعنی حق تعالی به عهد و میثاق خود وفاکننده است.
۸۵	الوکیل	" الوکیل " دو معنی دارد، اول متوکی امر و قائم به حفظ آن، و به همین معنی است کسی را که وکیل می گردانند برای تصرف در مالی به جهت آن که قائم مقام شخص موکل و صاحب مال است. دوم معتمد و ملجأ و پناهگاه
۸۶	الوارث	یعنی بازگشت تمام املاک و اموال به اوست در وقتی که مالکین مجازی بمیرند، و حق تعالی باقی ماند و بس.
۸۷	البرّ	یعنی مشتق و مهربان بر تمام خلائق و به معنای صادق هم آمده است.
۸۸	الباعث	زنده و مبعوث می گرداند خلق را در قیامت برای مجازات اعمال و حیات همیشگی
۸۹	التّواب	یعنی قبول می کند توبه عبد را وقتی توبه نمود و از اعمال زشت خود پشیمان گشت، و تَوَابِ مبالغه در قبول نمودن توبه است.
۹۰	الجواد	یعنی بسیار اتمام و احسان کننده، و حق تعالی فیاض مطلق و منصف به صفت جود و احسان و رحمت غیر متناهی است، و دائم الفضل و قدیم الاحسان است، و بخل و منع در ساحت کبریایی او راه ندارد.
۹۱	الجلیل	یعنی سید و بزرگ، بعضی گفته اند کسی که جامع صفات کمال، مثل غناء و سلطنت و قدرت و قدس باشد.
۹۲	الخبیر	یعنی عالم و دانا است به باطن و کمون اشیاء ، و دقائق. موجودات نزداو حاضر و هویدا است و حق تعالی خبیر است یعنی کنه و حقیقت چیزها را می داند.
۹۳	الخالق	یعنی خلق کننده ی خلائق و خلق به دو معنی استعمال شده یکی به معنای تقدیر و دیگری به معنای تکوین و به وجود آوردن.
۹۴	خیر النَّاصِرین	" خیر النَّاصِرین " یعنی بهترین یاری کننده است و نظیر آن (خیر الراحمین) یعنی بهترین رحم کنندگان است.
۹۵	الدّیان	یعنی جزا دهنده ی اعمال مردم
۹۶	الشّکور	یعنی جزاء دهنده بر اعمال خیر بندگان و قبول کننده ی شکر آنها است، و شکور مبالغه در شکر است ، زیرا که انعام و اکرام او خیلی زیاد است، و به کمی از طاعت و عبادت پاداش بی اندازه کرامت می فرماید.
۹۷	العظیم	یعنی صاحب عظمت و جلال، و برای "العظیم" شش معنی گفته اند: اول سید دوم غالب بر اشیاء سوم حق تعالی را عظیمگویند به اعتبار آن که در مقابل عظمت او هر چیز بزرگی کوچک نماید چهارم به معنای مجد و بزرگواری است پنجم این که عظمت و جلال و بزرگواری او به قدری است که ممکن نیست کسی بتواند به کنه ذات و وجود و اوصاف او احاطه نماید. ششم خداوند را عظیم نامند زیرا که خالق خلق عظیم و صاحب عرش عظیم است.
۹۸	اللّطیف	یعنی عالم است به غموض اشیاء و رفق و نیکی کننده است به مخلوق از راههای مخفی که موجه نمی شوند و معنای دیگر آن که لطیف است در تدبیر و افعال خود. گویند فلائی لطیف است در وقتی که حاذق و ماهر در کار خود باشد.
۹۹	الشّافی	یعنی شفا دهنده ی امراض و جبران و رفع کننده ی آنها به پاداش عظیم.

